

مهري - وضع عطاالله مهاجراني و همينطور غلامحسين كرباسچي، به ويژه پس از استیضاح عبدالله نوري چگونه خواهد شد؟

تهراني - ديروز عده‌اي از كارگزاران گفته‌اند كه بهتر است كرباسچي فعلا در زندان بماند. در سازش رفسنجاني براي برگزاري مجلس خبرگان، كرباسچي را اينگونه کنار گذاشتند. براي اين انتخابات خيلي هم تبليغ كردند. عملا هم كرباسچي تنها ماند؛ در حالي كه اعتبارش را هم از دست داد. قبل از اين جريان كرباسچي براي خودش اميركبير شده بود. بعضي‌ها مي‌گويند اگر كرباسچي به زندان برود، قهرمان بيرون مي‌آيد. فائزه هاشمي و چند نفر ديگر معتقدند كه ما به يك مدير و سازمانده براي 7/8 ماه آينده تهران نياز داريم، نه يك قهرمان در زندان.

مي‌گويند كرباسچي سازمانده خوبي براي شهرداري‌ها بوده است؛ چه در دوره رفسنجاني و چه در دوران خاتمي. بعضي مي‌خواهند با رو كردن برگ‌هايي عليه محافظه‌كاران، كرباسچي را آزاد كنند. فعلا محور جنگ‌هاي دروني، همين درگيري‌هاست.

مهري - معني تلاش‌هاي وساطت‌گريانه براي عفو كرباسچي از سوي رهبري چيست؟
تهراني - نمي‌دانم. فعلا راجع به اين موضوع نظري ندارم. در انتخابات شوراها، همان 5 نفري كه به قول ساوجي صلاحيت نداشتند و قرار نبود در انتخابات شركت كنند، عضو هيئت رئيسه شهر تهران شده‌اند. عبدالله نوري، سعيد حجاريان و عطريان و... سكوت خاتمي در اين داستان مي‌تواند نوعي همياري ايشان باشد. خامنه‌اي فهميده است كه بيش از اين نمي‌شود دشمني كرد و جنگ سرد به وجود آورد. عملا هم ساوجي - عليرغم خواسته دار و دسته يزدي در دادگاه‌هاي انقلاب اسلامي - سنگ رو يخ شد. بعيد نمي‌دانم كه خامنه‌اي براي آزادي كرباسچي وساطت كند، يا مثلا عفو بدهد. مثلا يك روش مي‌تواند اين باشد كه عده‌اي از دولتمردان و كارگزاران، براي آزادي كرباسچي، از خامنه‌اي تقاضاي عفو كنند؛ با اين بهانه كه كرباسچي فرد لايقي است و مي‌تواند همچنان براي ايران و اسلام مفيد باشد. من اطلاع دارم كه كرباسچي قبل از دستگيري‌اش، ليست 30 نفري استیضاح‌كنندگان نوري را فاش کرده است. مي‌گويند اين 30 نفر پس از اين افشاگري ديگر سوخته‌اند و نمي‌توانند در انتخابات آينده شركت كنند. ليست هم گويا در دست ناطق نوري بوده است. ممكن است در اين ميان، بده/بستاني هم بشود. كرباسچي مهره‌اي است كه خيلي روي او حرف است. او توانايي‌هايي هم دارد. كلي از امكانات كشور در اختيار اوست. حتا شنیده‌ام كه لايحه‌اي به مجلس برده‌اند تا روزنامه همشهري را هم از دست شهرداري خارج کرده، به محافظه‌كاران بدهند. اما موفق نشده‌اند.

مهري - يعني تعداد شكست‌هاي جناح راست سنتي مرتبا افزايش مي‌يابد؟
تهراني - بله، بله. اين شكست‌ها مرتبا اضافه مي‌شود. اين‌ها در سرازيري افتاده‌اند. ضعيف شده‌اند. وضع خاتمي و جريان دوم خرداد و اقبال بين‌المللي از سوي امريكايي‌ها و اروپايي‌ها، به زيان راست سنتي است. يوشكا فيشر [وزير خارجه فعلي آلمان] در تدارك است كه بعد از قضيه يوگسلاوي، تا دو/سه ماه آينده به ايران برود. خيلي‌ها معتقدند كه ممكن است روند سالمی براي اصلاحات در ايران ايجاد شود. ممكن است حتا اين روند را خود نيروهاي مذهبي در پيش بگيرند. اما واقعييت اين است كه اصلاحات بدون حضور نيروهاي غيرمذهبي و بيرون از مدار قدرت ممكن نيست. مذهبي‌ها به تنهائي نمي‌توانند اين برنامه را به پيش ببرند. نمي‌توان همينطور جامعه را رها كرد. عبور از بن‌بست و بحران استبداد مذهبي، نياز به نوعي وحدت ملي دارد. وحدت ملي هم زماني ممكن است كه نيروهاي اصلاح‌طلب مذهبي، در روند جدا كردن دين از حكومت گام بردارند. البته اصلاح‌طلبان مذهبي مي‌توانند رهبري اين روند را هم در دست داشته باشند. افتادن در اين مسير امتياز خوبي براي دولت خاتمي است. دنياي غرب هم براي هر نوع سرمايه‌گذاري و عادي سازي روابط، به رعايت آزادي‌ها نظر دارد. محبوبيت خاتمي - بخصوص پس از اظهار نظر اخيرش در رابطه با تعقيب قاتلين و جنايتكاران در دستگاه‌هاي امنيتي ايران - افزايش يافته است. گويا كميته تحقيق گفته است كه 11 ماه وقت لازم دارد. خاتمي گفته است: اگر به اين شيطنت‌ها ادامه بدهيد، من تمام سرنخ‌ها را افشا خواهم كرد. انتظار مي‌رود با اين تهديد، صف بندي‌ها مشخص‌تر شود. شنیده‌ام كه حتا يك جناح حزب‌اللهي هم به طرف اصلاح‌طلبان آمده است. اين نيروها مي‌خواهند به هر نحو در قدرت باقي بمانند؛ حتا اگر از كيوترا هنگ و ملير هم انتخاب شوند؛ چرا

که آدم‌های با پرنسپیی نیستند. عضو جریان مشخصی هم نیستند. نه تنها 20/30 نفر از این‌ها که حتا 60/70 نفر از نیروهای این دور مجلس، رایشان را عوض خواهند کرد. می‌کوشند تا قبل از انتخابات دور ششم مجلس جایگاه جدیدی پیدا کنند. در ترکیب جدید نیرو، مجلس می‌تواند بسیاری از لوایح را قانونی کند. مثلاً نظارت استصوابی را لغو کند، یا محاکمات و دادگاه‌های ویژه‌ی روحانیت را غیرقانونی اعلام کند.

مهری - چنین روندی در تاریخ هم سابقه هم دارد؟

تهرانی - بله، این ویژگی هر نوع رفرم و اصلاح‌طلبی است. ضربتی و یک‌شبه کاری درست نخواهد شد. رفرم، روش‌های خاص خودش را دارد. مثلاً از طریق رای دادن، یا تغییر ترکیب نمایندگان. البته این شیوه متعلق به پارلمان و یا کابینه و احزاب است. من فکر می‌کنم که این‌ها هم همین روند را خواهند رفت. عبدالله نوری آدم خاصی بود. او در دولت خاتمی با قاطعیت ایستاد. وقتی هم استیضاح شد گفت: من حتا فکر نمی‌کردم این مدت را هم بمانم. بیش از دو/سه ماه برای خودم شانسی قائل نبودم. واقعیت این است که نوری در دو دوره ایستادگی کرد. یکی در دوران قبل که رفسنجانی پشت سرش نایستاد، یکی هم حالا که استیضاح شد و کنار رفت. با این رفتار، نوری عملاً یک زمینه اجتماعی وسیع برای خودش ایجاد کرده است. او توانست تندترین بخش سیر تحول از دوم خرداد را نمایندگی کند. اما عطاالله مهاجرانی وضع دیگری دارد. او در دور اول مجلس نماینده بود. حتا رئیس کمیسیون گروگانگیری هم بود. بعدها 7/8 سال هم با هاشمی رفسنجانی کار کرد. بعد روزنامه بهمن را چاپ کرد. در جریان انتخابات دوم خرداد 1376 از کارگزارانی بود که به خاتمی پیوست. در آن دوران هم به هر دوی این‌ها - نوری و مهاجرانی - حمله شد. متأسفانه هنوز مهاجرانی نفهمیده که جو جامعه کلاً تغییر کرده است. مثلاً هنگامی که جناح راست به روزنامه‌های توس و جامعه حمله کرد، با محافظه‌کاران هم‌صدا شد و گفت: من هم اگر جای قضات تصمیم‌گیرنده بودم، این نشریات را توقیف می‌کردم. حتا این حرف را در خارج از کشور هم تکرار کرد. یا مثلاً گفت که: مسعود بهنود با دستگاه شهبانو و هویدا نزدیک بوده است.

با این همه مهاجرانی، در دور دوم - یعنی در سه/چهار ماه اخیر - گام‌های بلندی برای آزادی مطبوعات برداشته است. چرا که آزادی خواست عمومی جامعه است. و توده‌های وسیعی را در پشت سر دارد. البته مهاجرانی در دوره هاشمی رفسنجانی و حتا اوایل دوران خاتمی، زیکزاک‌هایی هم زد. اما پس از پشت سر گذاشتن استیضاح، محبوب‌تر شد. با این همه او خیلی احتیاط می‌کند. بیش از حد هم در فکر حفظ نظام است. بعضی‌ها می‌گویند: اگر چارچوب نظام شکسته شود، در نهایت به سود مردم‌سالاری و آزادی خواهد بود. تصور من این است که در ماه‌های آینده، بیشتر می‌توان در باره مهاجرانی و برنامه‌های فرهنگی‌اش حرف زد. مهاجرانی در میان نویسندگان و روشنفکران هم اعتباری به دست آورده است؛ با این‌که یکی از معاونینش را هم کنار گذاشته‌اند. در رابطه با موضوع استیضاح هم، کانون نویسندگان از او پشتیبانی کرد.